

مقصود از علم بدیع هرگز آن نبوده است که زنجیری از تکلف و وجه تسمیه علم بدیع و تصنع بر دست و پایی سخن شعراء و نویسندگان و سخنگویان گزارده شود بلکه مقصود از آن تحسین و تزیین سخن است و عالم

بعلم بدیع کسی است که دارای قدرتی باشد که بتواند صنایع این علم را تابع سخن خود کند نه سخن خود را تابع آن؛ و بدیهی است که این قدرت در وجود کسی یافت نخواهد شد مگر آنکه قبلا صنایع بدیعی را فرا گرفته باشد و باید دانست که

وجه تسمیه مجموع صنایع این علم بدیع آنستکه بدیع، در لغت بمعنی تازه و ایجاد کننده و اختراع آمده است (۱) و آن مأخوذ از کلمه بدع، بکسر باء، میباشد و بدع بچیزی میگویند که اول آن بگونه تازه‌ای داشته باشد (۲) و بدیع هم بمعنی بدع (بکسر دال) و هم بمعنی بدع (بفتح دال) آمده است یعنی هم بجای اسم فاعل و هم بجای اسم مفعول استعمال میشود - اما جواز استعمال آن بجای اسم فاعل، تصریح زمخشری در کشاف، است که آنرا مانند سمیع، بمعنی مسمع دانسته و شاهد بر صحت قول خود شعر عمرو بن معدی کرب را آورده که در باره معشوقه خود در رباعه، خواهر و زید بن الصمه گفته است:

امن ربیحانه الداعی السميع  
بؤرقنی واصحابی هجوع، (۳)

و دلیل بر صحت استعمال آن بجای اسم مفعول قول اکثر ارباب لغت است که آنرا جدید و حادث معنی کرده اند (۴) و تناسب هر یک از این معانی با علم مزبور از جهت مخصوصی است چنانکه تا زگی داشتن آن باین مناسبت است که پیش از قرن سوم هجری اصطلاحات این علم و تدوین فنون آن سابقه نداشته و در نیمه دوم قرن سوم ابن معتر عباسی (۲۴۹ - ۲۹۶) با اختراع و تدوین چند فن آن پرداخت.

(۱) المنجد؛ ذیل ماده بدع

(۲) بدایع الاضغار؛ ص ۲۰۰

(۳) تفسیر کشاف؛ ذیل آیه بدیع السعوات والارضین، سورة ۴ آیه ۶۹

(۴) رجوع بناج العروس ذیل ماده بدع شود

ابن معتر، خود در مقدمه کتاب بدیع نوشته است که: «پیش  
مخترع علم بدیع از من کسی فنون بدیع را جمع نکرده و در تدوین و تألیف  
آن بر من پیشی نکرده است و من این کتاب را تا این مقدار

که جمع آوری نموده ام بسال ۲۷۴ تألیف مینمایم» (۱)

پس از آنکه عبدالله بن معتر اختراع بدیع نمود رفته رفته ادباء و شعراء در  
این علم تفننات بدیع کردند. اگرچه از اواخر دوره اموی و اوائل دوره عباسی  
اسلوب شعر عربی بواسطه فنون بدیع تغییر کرده و بواسطه «صریح الغوانی» و  
بعداً «ابو تمام طائی» بر کالبد شعر روح تازه می دمیده شده بود و بسیاری از شعراء  
باین دو نفاقتفاء کرده در اشعار خود بذکر صنایع بدیع می پرداختند ولی هیچکدام  
از آندو نفرو پیروان آنان اصطلاحی خاص برای فنون این علم وضع نکرده و بتدوین  
اقسام آن متوجه نشده بودند تا اینکه ابن معتر بجمع و تدوین فنون آن پرداخت  
و پس از آن تمام ادباء و شعراء عرب و عجم متوجه فنون این علم گردیده بسی از  
فنون را بر فنونی که ابن معتر جمع آوری کرده بود اضافه نمودند و اکنون علم  
بدیع دارای یکصد و چهل و هشت صنعت مشهور مهم میباشد و جمیع این صنایع را  
ارباب بدیعیات که معروفتر از همه «صفی الدین حلّی» و «ابن حجة حموی» و  
«موصلی» و «سید علیخان» میباشد در طی قصائد بدیعیه خود با توریه باسم  
هر صنعتی گزجانیده اند (۲) و بدیعیات این اشخاص همه بلغت عربی گفته شده  
است و در فارسی تا جائی که ما اطلاع داریم اولین کسی که بگفتن قصیده بدیعیه  
پرداخته است قوام الدین گنجوی از مداحان قزل ارسلان بوده است (۳)

(۱) رجوع به مقدمه کتاب بدیع ابن معتر و انوار الربیع؛ ص ۳ شود

(۲) بدیعیات سه نفر اول مکرر بچاپ رسیده و همه را مرحوم سیدعلیخان مدنی در انوار الربیع تا  
جائی که گفته شده وجود داشته است جمع و نقل کرده است.

(۳) رجوع به اشعار ص ۵ شود.